

درس سی و یکم



شهید گمنام



واژگان درس

آرامگاه :	المقبرة	بزرگوار :	العزیز / الکریم
کشته :	قتیل	بنده :	العبد
هنگام :	الوقت	شهادت :	الإستشهاد
رشته :	الفرع	گرایش :	الإختصاص
احتیاج :	الحاجة	همیشه :	دوماً
آینده :	المستقبل		

ساختارهای گفتاری درس

شهید گمنام :	الجندي المجهول
آخرین بار :	لآخر مرة
ما به دعای خیر شما نیاز داریم :	نحن بحاجة إلى حُسن دعاءکم
برای شما دعا می کنیم :	ندعو لکم
فارغ التحصیل :	الخريج / المتخرج
اولین بار :	لأول مرة



شهید گمنام ۱

محسن: اینجا آرامگاه یک شهید گمنام است، آرامگاه یعنی محل آرامش، قبر را به آرامگاه تشبیه می کنیم.

حسن: آرامگاه شهید گمنام.

محسن: دوست داری با این شهید صحبت کنیم؟

حسن: بله دوست دارم با این شهید صحبت کنم.

شهید: سلام

محسن: سلام ای دوستدار خدا، سلام ای شهید بزرگوار.

شهید: سلام آقای حسن عبدالله به ایران خوش آمدید.

حسن: سلام آقای کشته در راه خداوند سبحان، سلام ای زنده، ای بنده خوب خدا.

شهید: من در هنگام شهادت چند سال داشتم؟

حسن: شما ۲۵ ساله بودید که شهید شدید.



شهید گمنام ۲

شهید: من فارغ التحصیل رشته زبان و ادبیات عربی بودم.

حسن: فارغ التحصیل یعنی چه؟

شهید: یعنی «خریج».

حسن: شما فارغ التحصیل رشته زبان و ادبیات عربی بودید.

شهید: آیا شما موافق هستید ما زمانهای افعال فارسی را مرور کنیم؟

حسن: بله من موافق هستم.

شهید: من برای آخرین بار به جبهه مهران رفتم.

حسن: شما چرا به جبهه می رفتید.

شهید: ما برای دفاع از دین و کشورمان به جبهه می رفتیم؟

حسن: آیا شما وصیت نامه نوشته بودید؟

شهید: بله من وصیت نامه نوشته بودم.

حسن: ما همیشه به دعای خیر شما شهیدان احتیاج خواهیم داشت.

شهید: آینده شما برای ما شهیدان مهم است، ما همیشه مراقب شما هستیم و برای شما دعا می کنیم.

۱. در کجا با شهید صحبت کردند؟

۲. محسن به شهید چه عنوانی گفت؟

۳. شهید در هنگام شهادت چند ساله بود؟

۴. شهید در چه رشته ای فارغ التحصیل شده بود؟

۵. شهید برای آخرین بار به کدام جبهه رفته بود؟

۶. برای چه به جبهه می رفتند؟

۷. ما به چه چیزی نیازمندیم؟

۸. چه چیزی برای شهید مهم است؟

۱. در چه رشته ای فارغ التحصیل شدی؟ (في أيِّ فرع تخرّجت؟)
۲. با من موافقی؟ (هل توافقي؟)
۳. آخرین بار کی سفر کردی؟ (متی سافرت لآخر مرّة؟)
۴. برای اولین بار او را دیدم. (رأيتّه لأول مرّة.)
۵. آیا علاقه داری صحبت کنیم؟ (هل ترغب في الحديث؟)

نام ها و تصاویر

نام تصاویر را زیر آن بنویسید.

زیارتگاه - آرامگاه شهید - جبهه - راهپیمایی - کتابخانه - تاج گل



الف. جمله های فارسی و معادل عربی آنها را به یکدیگر وصل کنید:

- | | | | |
|---|---|---------------------------------------|---|
| ۱. آخرین بار به کتابخانه رفتیم. | • | ۶. کنا نذهب إلى المنتزه دوماً. | • |
| ۲. ما از نعمت های الهی استفاده می کنیم. | • | ۷. نحن نتمتع بنعم الله تعالى. | • |
| ۳. ما به کمک شما نیازمندیم. | • | ۸. هل توافقني على أن نتغدى في المطعم؟ | • |
| ۴. ما همیشه به پارک می رفتیم. | • | ۹. ذهبنا إلى المكتبة لآخر مرة. | • |
| ۵. آیا موافق هستی ناهار را در رستوران بخوریم؟ | • | ۱۰. سنحتاج إلى مساعدتكم. | • |

ب. با توجه به متن، جمله های درست را مشخص کنید و جمله های غلط را تصحیح کنید:

۱. آینده شما برای ما مهم هستیم. _____
۲. ما مراقب کودکانم هستیم. _____
۳. مردم به دعای خیر شما نیاز دارید. _____
۴. اکنون نوبت شماست. _____
۵. آنها وصیت نامه شهید را خوانده بودند. _____
۶. از نعمت های الهی درست استفاده کنید. _____
۷. ما برای هر مکان اسمی می گذارند. _____
۸. فکر می کنی بتوانم مرا یاری کنی؟ _____

تمرین ها

ج. واژگان را به معنای فارسی آن وصل کنید:

آرامگاه	•	•	خریب
بنده	•	•	دوماً
فارغ التحصیل	•	•	مقبرة
نیاز	•	•	حاجة
کمین	•	•	تُحِبُّ
دوست داری	•	•	فرع
ادامه بده	•	•	مرصاد
رشته	•	•	استمرّ
همیشه	•	•	عبد

د. متضاد کلمات زیر را پیدا کنید:

_____ همیشه	_____ اولین
_____ آخرین	_____ خراب کردن
_____ نیازمند	_____ گاهی
_____ ساختن	_____ بی نیاز

ه. با این کلمات جمله بسازید:

۱. آرامگاه :
۲. گمنام:
۳. دوست دارم :
۴. احتیاج دارد :
۵. آخرین بار :

و. با توجه به متن فیلم کلمات را مرتب کرده تا جمله کامل شود:

۱. به - برای - می رفتند - سربازان - دفاع - جبهه. _____
۲. رسیدم - لحظه - در - قطار - آخرین - به. _____
۳. موافق - سینما - آیا - امروز - برویم - هستی - به؟ _____
۴. نعمت - الهی - استفاده - ما - می کنیم - های - از. _____
۵. می رسد - فرا - نوبت - چه - ما - وقت؟ _____

ز. این بخش از فیلم را به خوبی گوش کرده و جای خالی را با واژگان مناسب پر کنید:

- حسن: بوی _____ خوبی به _____ می رسد.
- حسن: بوی عطر _____ است.
- محسن: بهتر است بگویی _____ عطر خوشی به مشام می رسد.
- حسن: او چه _____ بود؟
- محسن: او شهید _____ بود.
- حسن: ما با یک شهید _____ من خیلی _____ من فکر می کنم که _____ دیدم.
- محسن: بله _____ نیست یا _____ کردن آن مشکل نیست.
- حسن: بله _____ نیست.
- محسن: ما با روح _____ به روح آن شهید _____ برقرار کردیم نه با جسم _____ .

أسماء المكان

في الفارسية أسماء تدلّ على المكان بشكل لا يوجد فيها علامة خاصة:

مثل: اتاق (غرفة)، خانه (بيت)، باغ (حديقة)، سوق (بازار) لكن هناك أسماء تدل على المكان

بإضافة «گاه» وهي بمعنى المكان إلى آخر المصدر . مثل:

آرامگاه (مقبرة)، آرایشگاه (صالون الحلاقة)، تعمیرگاه (ورشة التصليح)، نمایشگاه (معرض)

أمثلة:

۱ - برای خرید اتومبیل به نمایشگاه رفتیم. (ذهبنا إلى المعرض لإشتراء السيارة).

۲ - آرامگاه شهیدان را زیارت کردیم. (قمنا بزيارة مقابر الشهداء).

۳ - کودک در زایشگاه دنیا آمد. (وُلد الطفل في مستشفى الولادة).

۴ - برادرم در آرایشگاه کار می کند. (أخي يعمل في صالون الحلاقة).

۵ - ببخشید تعمیرگاه کجاست؟ (عفواً أين ورشة التصليح؟)